

معناشناسی تحلیلی «رُهبان، ربّانیون، احبار، قسّسین و حواریون» در قرآن کریم

فرزین حبیب زاده^۱ و معصومه سعیدی^۲

چکیده

تحقیق در واژه‌های قرآن کریم، مهم‌ترین بخش از تفسیر آیات کلام‌الله مجید است که مفسران و قرآن‌پژوهان از دیرباز عنایت ویژه‌ای به این قسم داشته و آثار برآورده‌ای در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند. کتاب‌هایی با عناوین مفردات، وجوه و نظایر، مترادف، اشتقاق، معرّبات و... همه ناظر به واژه‌های قرآن است که هدف آن‌ها مطالعه و بررسی واژگان و همچنین ذکر وجوه معانی مختلف کلمه و کاربرد آن‌ها در جایگاه‌های مختلف است. سابقه این علم به عصر حیات رسول اکرم (ص) باز می‌گردد و ریشه آن را باید در خود قرآن جستجو کرد و سبب پیدایش آن را باید در آیاتی یافت که خداوند به رسولش (ص) فرمان می‌دهد تا ذکر و کلام الهی را بر مردم تبیین کند و اختلاف و ابهام آن‌ها را برطرف سازد (نحل: ۴۴) با توجه به اهمیت دانش مفردات و اهمیت آن در فهم آیات قرآن، در این نوشتار، پنج واژه از واژه‌های مهم قرآنی که درباره عالمان، دانشمندان و روحانیان در ادیان مختلف (رُهبان، ربّانیون، احبار، قسّسین و حواریون) به کار رفته است، از نظر معنا، ریشه و اشتقاق و کاربرد آن واژگان، مورد بررسی و مذاقه قرار داده شده است تا به یاری آن، کاربرد معنایی آن‌ها در آیات مربوط مشخص شود. با دقت در کاربرد واژه‌های مذکور در قرآن، روشن می‌شود که این واژه‌ها، با توجه به وادادتی بودن آن‌ها (معرّب)، اغلب برای روحانیان و مناصب یهودی و نصاری به کار رفته است.

کلیدواژه‌ها: مفردات، واژه‌های قرآن، رُهبان، ربّانیون، احبار، قسّسین و حواریون.

^۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی تهران f.habibzadeh@mazaheb.ac.ir

^۲. پژوهشگر الهیات masoomesaeedi52@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از سودمندترین و کهن‌ترین کوشش‌ها در آستانه قرآن، تفسیر واژگان و تبیین لغات قرآن است، که از آن با عناوین «غریب‌القرآن»، «معانی‌القرآن» و «مجازالقرآن» و اخیراً «مفردات قرآن» یاد کرده‌اند. (محمدی، (۱۳۸۵)، ۱۷) علاوه بر عنوان‌های پیش‌گفته، به مناسبت‌های مختلف عنوان‌هایی مثل «لغات‌القرآن»، «الفاظ‌القرآن»، «مشکل‌القرآن» و «وجوه‌القرآن» نیز برای الفاظ و واژگان قرآن به کار برده شده است. (تفلیسی، (۱۳۶۰)، مقدمه، ۲۳)

لغویان و مفسران قرآن بر این امر اتفاق نظر دارند که اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخش در دستیابی به مراد اصلی خدای تعالی (تفسیر)، علم مفردات و به عبارتی بررسی واژه‌های کلام الله مجید است. بررسی خاستگاه و ریشه واژه‌ها، بیان دخیل یا اصیل بودن واژه، بررسی کلمات نامأنوس و دشوار، کاربردهای مختلف واژه، همه و همه به برکت وجود علم مفردات شکل گرفته‌اند. این علم منحصر به متون مقدسی نظیر قرآن نیست، بلکه در بسیاری از متون ادبی نظیر بوستان و کلیله و دمنه، متون علمی و تاریخی و... نیز به منظور دستیابی به معنای واژه و فهم بهتر متون، به کار می‌رود.

در روایات معصومین (ع) نیز از این علم بسیار بهره برده می‌شود. از این رو در طول قرون، کتاب‌هایی درباره واژه‌های غریب احادیث (غریب‌الحدیث‌ها) نظیر *الفائز فی غریب الحدیث* از جلال‌الله زمخشری و *النهائیه فی غریب الحدیث و الأثر* اثر ابن اثیر و به منظور روشن‌ساختن مراد معصوم از واژگان به کار رفته، تألیف شده است.

از آنجا که در هر متنی، تنها برخی از واژه‌های آن نیاز به بررسی و کندوکاو دارد، قرآن کریم نیز به عنوان «متن» مقدس از این امر مستثنا نیست. با این تفاوت که قرآن کریم به جهت اشمال بر مباحث اعتقادی و احکام و از همه مهم‌تر، جنبه هدایتی آن، از حساسیت بیشتری در أخذ معانی و کاربردهای مختلف آن برخوردار است، لازم است مفسر در این امر نهایت کوشش خود را مبذول دارد تا بتواند به مدد این علم به مراد اصلی خداوند دست یابد. با توجه به اهمیت این مطلب، در این نوشتار، به بررسی و تحلیل پنج واژه که در مطالعات قرآنی در امر واژه‌شناسی کمتر به آن پرداخته شده است، می‌پردازد. در بررسی و توضیح واژه‌های رهبان، ربانیون، احبار، قسیسین و حواریون، از چند فرهنگ لغت عربی، تفاسیر، روایات و تاریخ بهره برده شده است.

۲. دلایل اهمیت واژه‌شناسی در قرآن

شناخت واژه‌های قرآنی تا آنجا دارای اهمیت است که اگر بررسی دقیق و عمیق در مورد معنای آن صورت نگیرد ممکن است فهمی نادرست از احکام و معارف دینی شکل بگیرد و گروهی به انحراف کشیده شوند و در مسائل کلامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... با یکدیگر به اختلاف بیفتند. بخشی از منشأهای شکل‌گیری گرایش‌ها و فرقه‌های مختلف، بر روی اختلاف معنا در برخی واژگان کتاب الهی و تفسیر نادرست از کلمات قرآن است. «چه بسیار انحرافات و خطاهای فکری، عقیدتی، یا فقهی در تفسیر قرآن رخ داده است که اگر مفسران به معنای صحیح کلمات دسترسی داشتند از آن انحراف و خطاها مصون می‌ماندند. از ابوعبید نقل شده است که عموم کسانی که در عراق به زنداقه گرایش یافتند، ناشی از دانش اندک آن‌ها به لغت و زبان عربی بود.» (طیب حسینی، (۱۳۹۶)، ۲۵)

راغب اصفهانی در باب اهمیت علم مفردات می‌نویسد: «ذکرت أن أول ما يحتاج أن يشتغل به من علوم القرآن العلوم اللفظية؛ و من العلوم اللفظية تحقيق الألفاظ المفردة، فتحصيل معاني مفردات ألفاظ القرآن في كونه من أوائل المعاون

لمن يريد أن يدرك معانيه... فألفاظ القرآن هي لبُّ الكلام العرب و زُبْدته و واسطته و كرائمه...» (راغب، (۱۴۱۲ق) مقدمه)

آیت الله سبحانی یکی از پایه‌های اساسی برای تفسیر قرآن را «آگاهی از معانی مفردات قرآن» می‌داند زیرا که فهم مرکب، متفرع بر فهم مفردات آن است. ایشان در ضرورت پرداختن به مفردات قرآن نکته مهمی را اشاره نموده‌اند و آن این است که چون بر اثر مرور زمان در معانی الفاظ، دگرگونی پیدا می‌شود و معانی معروف در عصر رسالت به نوعی تغییر کرده است نباید بر معانی‌ای که از یک کلمه در اذهان ما موجود است، تکیه کرد و لازم است به ریشه‌یابی واژه پرداخت و معانی ریشه‌ای را به دست آورد آنگاه به تفسیر آیه توجه نمود. (سبحانی، (۱۴۳۳ق)، ۲۹۲ و ۲۹۳)

هرچه از عصر نزول قرآن فاصله می‌گیریم احساس نیاز بیشتر به تفسیر کلمات قرآن پیدا می‌کنیم، چراکه رفته‌رفته در معنای کلمات عربی، تحول و تطور رخ می‌دهد و شمار بیشتری از کلمات قرآن به جمع الفاظ غریب و دشوار می‌پیوندند. در ادامه، با استفاده از آیات قرآن و تفاسیر آن، روایات و منابع لغوی، به معنانشناسی واژه‌های رُهبان، رُبانیون، احبار، قسّیسین و حواریون پرداخته می‌شود تا بدین وسیله سیر معنای این واژگان و کاربرد آن‌ها در طول تاریخ، به نحوی دقیق و علمی روشن گردد.

۳. معنای رُهبان در قرآن

﴿ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (حدید/ ۲۷)

کلمه «رُهبان» سه مرتبه و کلمه «رَهْبَانِيَّة» یک مرتبه در قرآن به کار رفته است. این کلمه از ماده سه حرفی «رهب» و «رهبته» به معنای ترس گرفته شده است. (طبرسی، (۱۳۷۲)، ج ۷، ص ۱۵۰). «رَهْبَتُ الشَّيْءِ أَرْهَبُهُ رَهْبًا وَ رَهْبَةً، أَيْ: خَفْتُهُ. وَ أَرْهَبْتُ فَلَانًا. وَ الرَّهْبَانِيَّةُ: مَصْدَرُ الرَّاهِبِ، وَ التَّرَهُّبُ: التَّعَبُّدُ فِي صَوْمَعَةٍ، وَ الْجَمِيعُ: الرُّهْبَانُ وَ الرَّهْبَانِيَّةُ خَطَا» (فراهیدی (۱۴۰۵)، ج ۴، ص ۴۷)

به گفته راغب، رهبیت یا رُهب به معنای ترسی است که توأم با احتراز باشد: «الرَّهْبَةُ وَ الرَّهْبُ: مَخَافَةٌ مَعَ تَحَرُّزٍ وَ اضْطِرَابٍ، قَالَ: لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً (الحشر/ ۱۳)، وَ قَالَ: جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ (القصص/ ۳۲)، وَ قَرَأَ: مِنَ الرَّهْبِ، أَيْ: الْفَزَعُ...» (راغب (۱۴۱۵)، ۳۶۶) ابن فارس برای ماده رهب دو اصل ذکر می‌کند: «الراء و الهاء و الباء أصلان: أحدهما يدلُّ على خوفٍ، وَ الْآخَرُ عَلَى دِقَّةٍ وَ خِفَّةٍ. فَالْأَوَّلُ الرَّهْبَةُ: تَقُولُ رَهْبْتُ الشَّيْءِ رَهْبًا وَ رَهْبًا وَ رَهْبَةً. وَ التَّرَهُّبُ: التَّعَبُّدُ. وَ مِنَ الْبَابِ الْإِرْهَابُ، وَ هُوَ قَدْعُ الْإِبِلِ مِنَ الْحَوْضِ وَ ذِيَادُهَا. وَ الْأَصْلُ الْآخَرُ: الرَّهْبُ: النَّاqَةُ الْمَهْزُولَةُ. وَ الرَّهَابُ: الرَّقَاقُ مِنَ النَّصَالِ؛ وَاحِدُهَا رَهْبٌ. وَ الرَّهَابُ: عَظْمٌ فِي الصَّدْرِ مَشْرَفٌ عَلَى الْبَطْنِ مِثْلُ اللِّسَانِ». (ابن فارس (۱۴۱۴)، ج ۲، ص ۴۴۷)

ابن منظور در مورد رهبانیت چنین می‌نویسد: «هی کالاحتِصَاءِ وَ اغْتِنَاقِ السَّلَاسِلِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ، مِمَّا كَانَتْ الرَّهْبَانِيَّةُ تَتَكَلَّفُهُ، وَ قَدْ وَضَعَهَا اللَّهُ، عَزَّ وَ جَلَّ، عَنْ أُمِّهِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ. قَالَ ابْنُ الْأَثِيرِ: هِيَ مِنْ رَهْبَنَةِ النَّصَارَى. قَالَ: وَ أَصْلُهَا مِنَ الرَّهْبَةِ: الْخَوْفُ؛ كَانُوا يَتَرَهَّبُونَ بِالتَّخَلِّيِ مِنْ أَشْغَالِ الدُّنْيَا، وَ تَرْكِ مَلَذَّهَا، وَ الزَّهْدِ فِيهَا، وَ الْعَزْلَةِ عَنْ أَهْلِهَا، وَ تَعَهُّدِ مَسَاقِفِهَا، حَتَّى إِنْ مِنْهُمْ مَنْ كَانَ يَخْصِي نَفْسَهُ وَ يَضَعُ السَّلْسَلَةَ فِي عُنُقِهِ وَ غَيْرَ ذَلِكَ مِنْ أَنْوَاعِ التَّعْذِيبِ، فَتَفَاها النَّبِيُّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ، عَنْ الْإِسْلَامِ، وَ نَهَى الْمُسْلِمِينَ عَنْهَا» (ابن منظور (۱۴۱۴)، ج ۱، ص ۴۳۶)

فیروزآبادی در کتاب *بصائر ذوی التَّمییز ذیل ریشة «رهب»* می‌نویسد: «الرَّهْبَانِيَّةُ: غُلُوٌّ فِي تَحَمُّلِ التَّعَبِّدِ مِنْ فِرَاطِ الرَّهْبَةِ. وَ الرَّاهِبُ: وَاحِدٌ رَهْبَانٍ النَّصَارَى، وَ مَصْدَرُهُ الرَّهْبَةُ وَ الرَّهْبَانِيَّةُ. وَ قِيلَ: الرَّهْبَانُ قَدْ يَكُونُ وَاحِدًا، وَ الْجَمْعُ: رَهَابِينَ، رَهَابِنَةً، وَ رَهْبَانُونَ» (فیروزآبادی، (۱۴۰۶هـ)، الجزء الثالث، ص ۱۰۰)

صاحب مجمع‌البحرین در مورد ویژگی راهبان که در مورد متنسکان نصاری استعمال زیادی دارد، می‌نویسد: «و الرَّهْبَانُ جَمْعُ رَاهِبٍ، وَ هُوَ الَّذِي يَظْهَرُ عَلَيْهِ لِبَاسُ الْخَشْيَةِ، وَ قَدْ كَثُرَ اسْتِعْمَالُ الرَّاهِبِ فِي مَتَنَسَكِي النَّصَارَى. وَ الرَّهْبَانِيَّةُ: تَرَهُّبُهُمْ فِي الْجِبَالِ وَ الصَّوَامِعِ وَ انْفِرَادِهِمْ عَنِ الْجَمَاعَةِ لِلْعِبَادَةِ، وَ مَعْنَاهَا الْفَعْلَةُ الْمَنْسُوبَةُ إِلَى الرَّاهِبِ وَ هُوَ الْخَائِفُ... وَ أَصْلُ التَّرَهُّبِ هُنَا اعْتِزَالُ النِّسَاءِ وَ غَيْرِهِنَّ، وَ أَصْلُهَا مِنَ الرَّهْبَةِ، وَ هِيَ الْخَوْفُ...» (طریحی، (۱۳۷۵ش)، ج ۲، ص ۷۱)

۱-۳. رهبانیت و رهبان در روایات

رُهبان جمع راهب و گاهی بجای راهب یعنی در مفرد استعمال می‌شود... «رهبانیه» به معنای مبالغه و غلو و افراط در تحمل عبادت است. (طباطبایی، (۱۳۹۰ق)، ج ۶، ص ۱۱۶) «از اعمال و فعالیت‌های راهبان، افزون بر ریاضت‌کشی در دیرها، پیشگویی (مثل پیشگویی درباره نبوت پیامبر (ص)) بیشتر مورد توجه مسلمانان بوده است» (دانشنامه جهان اسلام، (۱۳۹۴)، ذیل کلمه)

در برخی از احادیث، رهبانیت شامل هرگونه تهجد و عبادت همراه با مشقت است، از این رو بر مسلمانان هم اطلاق پذیر است. روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که در آن‌ها آمده هر امتی دارای رهبانیتی خاص است و رهبانیت امت من، جهاد در راه خداست. (احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۸۲ به نقل از دانشنامه جهان اسلام، (۱۳۹۴)، ذیل رهبانیت) قال رسول الله: «عَلَيْكَ بِالْجِهَادِ فَإِنَّهُ رَهْبَانِيَّةٌ أُمَّتِي» (طوسی (۱۴۱۴)، النص، ۵۴۱، فیض، (۱۴۰۶)، ج ۷، ص ۴۹۹)

در مقابل، روایاتی نیز در ردّ رهبانیت مسیحی وارد شده است که از آن جمله است: «لَارَهْبَانِيَّةٌ فِي الْإِسْلَامِ» (فیض، (۱۴۰۶)، ج ۷، ص ۴۹۹) و «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لَيْسَ فِي أُمَّتِي رَهْبَانِيَّةٌ وَلَا سِيَّاحَةٌ وَلَا زَمٌّ يَعْْنِي السَّكُوتَ». (عاملی، (۱۴۰۹) ج ۱۰، ص ۵۲۴، مجلسی، (۱۴۰۳)، ج ۶۷، ص ۱۱۵) منابع بسیاری روایتی را از سلمان از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند که ایشان آیه شریفه «ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيَّيْنَ وَ رَهْبَانًا» (مائده / ۸۲) را به صورت «ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ صَدِيقَيْنِ وَ رَهْبَانًا» قرائت فرموده‌اند. (سیوطی، (۱۴۰۴)، ج ۲، ص ۳۰۴؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۴، ص ۱۰۰؛ ابوالفتوح رازی (۱۴۰۸) ج ۷، ص ۱۱۰؛ میبدی، (۱۳۷۱ش)، ج ۳، ص ۲۰۱)

به طور کلی، اغلب مفسران اعم از اهل سنت و امامیه، قسّیس را به عالمان، و رهبان را به عباد تفسیر نموده‌اند. (طوسی، (بی‌تا)، ج ۳، ۶۱۵؛ طبرسی، (۱۳۷۲)، ج ۱، ص ۳۴۷؛ طبری، (۱۴۱۲)، ج ۷، ص ۴؛ ثعلبی، (۱۴۲۲)، ج ۴، ص ۹۹)

۲-۳. آیات (رُهبان)

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيَّيْنَ وَ رَهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (مائده / ۸۲) در آیه فوق، مسیحیان نزدیک‌ترین افراد اهل کتاب به مؤمنان، از حیث دوستی دانسته شده‌اند، زیرا برخی از آنان کشیشان و راهبانی‌اند که تکبر نمی‌ورزند. به عبارتی، وجود علماء و پارسایان بسیار در میان نصارا و استکبار نورزیدن آنها علت انس بیشتر آنان با مسلمین بوده است

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (توبه/ ۳۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه/ ۳۴) در دو آیه ۳۱ و ۳۴ توبه، نگرش قرآن متفاوت با آیه ۸۲ در سوره مائده است. در این آیات آمده است که یهودیان و مسیحیان، احبار و راهبان خود را به جای خدا به‌خدایی گرفتند و بسیاری از احبار و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خوردند و دیگران را از راه خدا باز می‌دارند.

۴. معنای ربّانیون در قرآن

واژه «ربّانیون» (ربّی و ربّانی) دو بار به همان صورت جمع در قرآن آمده است که در دوره‌های مختلف تاریخی به بزرگان و معلمان (عالمان) دینی یهودی خطاب شده است. ربّی، عهده‌دار تعلیم و تفسیر کتاب مقدس و مسئول اجرای مراسم مذهبی است و به امر قضاوت هم اشتغال داشت. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۴)، ذیل ربّیون) یهودیت ربّانی برخلاف قرائیم، قائل به تفسیر کتاب مقدس عبری بودند و به اعتقاد آن‌ها تورات شفاهی، تلمود، در کنار تورات مکتوب مرجعیت داشت. (همانجا) سیوطی به نقل از ابوحاتم لغوی در کتاب الزینه آورده است که کلمه «الربّانیون» در آیه ۶۳ سوره مائده، و واژه «ربّیون» در آیه ۱۴۶ سوره آل عمران، به معنای علماء مسیحی و هر دو از واژه‌های سریانی است که در قرآن وارد شده است. (سیوطی، ۱۹۸۵)، ۳۷) همو در/المهذب گفته که گمان نمی‌کنم، [ربّانیون] کلمه عربی باشد، بلکه عبرانی یا سریانی است. (سیوطی، ۱۹۸۸)، ۶۰)

جوالیقی به نقل از ابوعبید می‌گوید گمان نمی‌کنم که این واژه (الربّانیون) عربی باشد، آن، باید عبرانی یا سریانی باشد. در ادامه می‌گوید: «سمعت رجلاً عالماً بکتب یقول: الربّانیون: العلماء بالحلال و الحرام و الأمر و النهی» (جوالیقی، ۱۹۶۹)، ص ۳۳۰)

کلمه ربّانیون در عبری عهد قدیم به معنی سید و زعیّم آمده است و (rabbt) به معنای آقای من و معلم من است. در کتاب میشنا، کلمه ربّان بر فقهای ممتاز و برتر اطلاق شده است. در زبان سریانی نیز کلمه ربّانیون وجود دارد که به معنای معلم، استاد و صاحب مذهب آمده است. (بلاسی، ۲۰۰۱)، ۲۰۷) برخی نیز این کلمه را آرامی الاصل می‌دانند که به همان صورت وارد زبان عربی شده است. (همانجا)

فیروزآبادی در کتاب بصائر ذوی/التمییز این کلمه را سریانی دانسته و در مورد ساختار آن می‌نویسد: «الربّانی: المتاّله العارف بالله عزّ و جلّ. و الحبر، منسوب الی الربّان، و فلان یبنی من فعل کثیراً، کعطشان و سکران. و من فعل قلیلاً کنعسان، أو منسوب الی الربّ تعالی فهو کقولهم: إلهی و نونه کنون لِحیانی، أو هو لفظه سریانیّه» (فیروزآبادی، ۱۴۰۶هـ)، الجزء الثالث، ص ۲۹)

در منابع یهودی این واژه، عبری معرفی شده است که از اسم رَو/رَبّ به معنای بزرگ مشتق شده است و ربّی به معنای آقا یا سرور من است که به مرور برای خطاب به پیشوایان معنوی یهود به کار رفته است. در آرامی، ربّن به معنای آقای من و در عبری با ضبط رّیون هم به کار رفته است و یهودیان شرقی آن را ربّی تلفظ می‌کنند، جمع آن به عبری، ربّانیم است. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۴)، ذیل ربّیون)

این کلمه پنج مرتبه به صورت جمع در چهار آیه تکرار شده است. در معنای این کلمه، میان مفسران و محققان اختلاف نظر وجود دارد. اغلب لغویان مسلمان، آن را واژه‌ای عربی و از ریشه حَارَ یَحُورُ دانسته‌اند و در مقابل، مستشرقان آن را غیرعربی و دخیل شمرده‌اند و با تحقیقات گسترده و روشمند خود، دخیل بودن این واژه را اثبات کرده‌اند. «بیشتر محققان غربی معتقدند واژه حواری از زبان حبشی وام گرفته شده و مأخوذ از واژه حواریا، به معنای رسول است... واژه حواریون تاریخی کهن دارد و پیش از رواج در عبری، در دیگر زبان‌های قدیم شرقی (اگاریتی و به ویژه مصری) به کار می‌رفته و سرانجام در متون عربی، (قرآن، نوشته‌های عالمان و مؤلفان مسلمان و مسیحی) به معنای اصحاب و یاران تثبیت شده است. این واژه در قدیم به معنای «پیمان» یا «به هم پیوستن» یا «شرکت کردن» داشته است که بر ایجاد جماعتی واحد دلالت دارد» (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۴)، ذیل حواریون

سیوطی این کلمه را به معنای شویندگان لباس و یار مخلص دانسته و به نقل از ابوحاتم که ایشان روایتی نقل می‌کند و می‌گوید: حواریون واژه نبطی است و به معنای «الغاسون للثیاب، کسانی که پیراهن‌های خود را می‌شویند»، است. (سیوطی، ۱۹۸۵)، ۴۵ کلمه حواری از ریشه حور است و «حور» به معنای سپیدی زیاد می‌باشد. وقتی به غذایی حواری گویند که رنگ آن غذا بسیار سپید باشد و به زنانی که پاکیزه و سپید هستند، «حور» نامند. (سیوطی، ۱۹۸۵)، ۳۸ در مورد خاستگاه واژه باید گفت، جای شک باقی نمی‌ماند که این کلمه از زبان حبشی وارد زبان عربی شده است و در زبان حبشی به معنای رسول، مسافر، مبعوث است. (بلاسی ۲۰۰۱م)، ۲۰۰

به اعتقاد برخی، علت نامیدن حواریون به این نام، برای این است که حواریون با رسانیدن فوائد دین و علم به نفوس و جانهای مردم آنها را پاک و تطهیر می‌نمودند و این همان عمل تطهیر است که در آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳) به آن اشاره شده است. (راغب، ۱۴۱۲)، ۲۶۲ امام رضا (ع) در پاسخ به پرسش راوی، درباره وجه نامگذاری حواریون فرمود: «نزد مردم حواریون از آن جهت که لباس شوی بودند و آلودگی لباس‌ها را پاک می‌کردند به این نام خوانده شده‌اند، اما نزد ما به سبب آن است که خود را با عمل به اندرزها و یاد خدا از ناپاکی‌ها و آلودگی گناهان پاک نگاه داشتند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵) ج ۱، ص ۸۰ به نقل از دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۴) ذیل حواریون

اغلب لغویان یک معنای جامع (رجع) برای این کلمه گرفته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۵ق)، ج ۳، ص ۲۸۷؛ جوهری، ۱۴۰۴ق)، ج ۲، ص ۶۳۸؛ «الحاء و الواو و الراء ثلاثة أصول: أحدها لون، و الآخر الرجوع، و الثالث أن يدور الشيء دوراً» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق)، ج ۲، ص ۱۱۵ «حار إلى الشيء، و عنه، يحور حوراً و محاراً و حووراً: رجع عنه و إليه، و قوله: في بئرٍ لا حورٍ سرى و ما شعر. الحور: الرجوع عن الشيء و إلى الشيء كالمحار و المحارة و الحوور، في الحديث «مَنْ دَعَا رَجُلًا بِالْكَفْرِ وَ لَيْسَ كَذَلِكَ حَارَ عَلَيْهِ». أَيْ رَجَعَ إِلَيْهِ مَا نَسَبَ إِلَيْهِ. وَ كُلُّ شَيْءٍ تَغَيَّرَ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ فَقَدْ حَارَ يَحُورُ حَوْرًا. قَالَ لَبِيد:

و ما المرء إلا كالشَّهَابِ وَ ضَوْئِهِ
يَحُورُ رَمَاداً بَعْدَ إِذْ هُوَ سَاطِعُ

و الحور: التَّقْصَانُ بعد الزَّيَادَةِ، لِأَنَّهُ رُجُوعٌ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ» (ابن سیده، ۱۳۷۷ق)، ج ۳، ص ۵۰۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴)، ج ۶، ص ۳۱۳

خلیل بن احمد نوشته است پس از آنکه اطلاق نام حواریون به یاران عیسی (ع) در میان عرب رواج یافت، تعبیر حواری برای هر ناصر و یآوری به کار رفت: «حواریون: الذین کانوا مع عیسی علیه السلام ینصرونه، و کانوا قصارین، یقال: فعل

الْحَوَارِيُّونَ كَذَا، وَ نَصَرَ الْحَوَارِيُّونَ كَذَا، فَلَمَّا جَرَى عَلَى أَلْسِنَةِ النَّاسِ سَمَى كُلَّ نَاصِرٍ حَوَارِيًّا» (فراهیدی، (۱۴۰۵ق)، ج ۳، ص ۲۸۷) در منابع اسلامی واژه حواری در معنایی عام‌تر هم استعمال شده است و به معنای یار و پیرو خاص پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه (ع) به کار رفته است. حضرت رسول (ص) در مواردی، از اصحاب خود با تعبیر حواری یاد کرده است: «الزبیر ابن عمتی و حواری من امتی» (احمد بن حنبل، ۳/۳۱۴، به نقل از راغب، (۱۴۱۲)، ۲۶۲ و ر.ک. ابن منظور، (۱۴۱۴)، ج ۴، ص ۲۱۱ و قرشی، (۱۳۷۱ش)، ج ۲، ص ۱۹۲) یا روایت: «لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوَارِيٌّ وَ حَوَارِيَّ الزُّبَيْرُ». (الحديث أخرجه البخاری فی الجهاد ۶/۵۳، و فضل أصحاب النبی ۷/۸۰ و مسلم فی فضائل الصحابة برقم ۲۴۱۵ به نقل از راغب، (۱۴۱۲)، ۲۶۲)

برخی گفته‌اند حواریون، یاران حضرت عیسی بودند که گفته شده گازر یا شکارچی بودند. قيل: كانوا قَصَّارِينَ و قيل كانوا صيَّادِينَ. و همچنین گفته‌اند: که بصورت تشبیه و تمثیل آنها را قَصَّارین یعنی پاک کنندگان جامه‌ها-نامیده‌اند و از معنی قَصَّار-به جامه‌شوی تصور می‌شود که قَصَّار به حقایق کار زیرکانه متداول میان مردم شناخت ویژه‌ای ندارد و درباره صفت و کار صيَّاد بودن نیز نسبت به حواریون از این جهت است که نفوس و جان‌های مردم را از حیرت و سرگردانی به سوی حق راهنمایی می‌کردند. (راغب، (۱۴۱۲)، ۲۶۲)

در عهد جدید، به ویژه انجیل‌های چهارگانه و کتاب اعمال رسولان، به قدرت خارق‌العاده حواریون اشاره شده است. در انجیل متی (۸: ۱۰)، در ضمن سخن گفتن از اعزام حواریون، آمده است که عیسی (ع) به حواریون گفت: «بیماران را شفا دهید، مردگان را زنده کنید، ابرص‌ها را پاک کنید، دیوها را بیرون کنید، رایگان یافته‌اید، رایگان بدهید» (دانشنامه جهان اسلام، (۱۳۹۴)، ذیل حواریون)

آیات مرتبط با حواریون

در همه موارد که از حواریون در قرآن ذکر به میان آمده است، از عباراتی مدح‌آمیز، درباره ایمان و یاری‌رساندن حواریون به خدا و رسولش سخن گفته شده است و ایشان افرادی مؤمن و نمونه، از حیث اجابت دعوت خدا و پیامبرش تصویر شده‌اند.

﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران / ۵۲) در آیه مزبور، زمانی که عیسی از بنی اسرائیل افرادی را طلبید که یار و یاور او در راه خدا باشند، ایشان دعوت او را لجابت کردند و به پیروی از رسول خدا و ایمان به آنچه نازل کرده است، گواهی دادند.

﴿وَ إِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ ءَامِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا ءَامَنَّا وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (مائده / ۱۱۱) ﴿إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ (مائده / ۱۱۲) در آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ سوره مائده، خداوند به حواریون وحی کرد که به او و رسولش ایمان بیاورند آنان پذیرفتند و از عیسی خواستند مائده‌ای آسمانی برایشان فرو فرستند، تا از آن بخورند و دل‌هایشان آرام یابد و به صدق گفتار او پی ببرند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَاَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ﴾ (صف / ۱۴) در آیه مذکور، از مسلمانان خواسته شده است همان‌طور که حواریون در پاسخ به دعوت عیسی، خدا را یاری دادند، آنان نیز در جهاد با کافران، انصارالله باشند.

نتیجه‌گیری

با بررسی ریشه‌شناختی و معناشناختی و کاربرد واژه‌های رهبان، ربانیون، احبار، قسّسین و حواریون در قرآن کریم می‌توان به نتایجی از قرار زیر اشاره کرد:

۱. هر یک از واژه‌های فوق از فرهنگ مسیحی به فرهنگ اسلامی راه یافته است و صرف‌نظر از معنای ناپسندی که در طول قرون بر خود گرفته است، اما با توجه به کاربرد این واژه‌ها در برخی از آیات و روایات، معنای پسندیده و نیکویی نیز برای آن‌ها یاد شده است. (مأده/ ۴۴ و ۸۲) در آیاتی چند، خداوند از مسلمانان می‌خواهد عملکردی همانند این گروه داشته باشند. (صف/ ۱۴) و همچنین در برخی روایات، پیامبر (ص) این واژه‌ها را برای اصحاب خود به کار برده است که در نوشتار حاضر به بخشی از آن‌ها اشاره شد.

۲. اغلب مفسران و محققان مسلمان و قرآن‌پژوهان غربی، خاستگاه این واژه‌ها را از زبان‌های سریانی، آرامی، حبشی و عبری دانسته‌اند که در فرهنگ دینی یهودی و مسیحی برای روحانیان و عالمان به کار می‌رفته است. در مقابل، برخی هم دیدگاه دخیل بودن این واژه‌ها را منکر شده‌اند و در جستجوی ریشه عربی برای آن‌ها برآمده‌اند.

۳. این واژه‌ها، در قرآن کریم علاوه بر کاربرد خاص آن‌ها، در معنای عام‌تری نیز به کار رفته است. مثلاً در قرآن کریم کلمه حواری، فقط در مورد یاران خاص حضرت عیسی به کار رفته است، ولی در روایات، در مورد یاران مخصوص حضرت رسول و ائمه اطهار (ع) نیز استعمال شده است.

۴. واژه‌های رهبان، ربّانی، احبار و قسّیس، اغلب برای عالمان و دانشمندان، و عابدان و زاهدان در فرهنگ دینی یهودی و مسیحی به کار رفته است. با این حال، تفاوت‌هایی در معنا و کاربرد هر یک از این واژه‌ها بیان شده است از جمله اینکه، ربانیون فوق احبارند، یا اینکه ربانیون فقهای یهود و احبار علمای یهودند. (طبری، (۱۴۱۲)، ج ۳، ص ۲۳۳) یا ربانیون را علمای اهل انجیل و احبار را علماء و روحانیان اهل تورات دانسته‌اند. (فخر رازی، (۱۴۲۰)، ج ۵، ص ۳۶۵ و ۳۶۷) این تفاوت‌ها بیشتر در مورد رتبه‌ها، مناصب و وظایف فقها و روحانیون بیان شده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل، (۱۹۵۸م)، *المحکم و المحيط الاعظم*، به کوشش مصطفی سقا و حسین نصار، قاهره.
۳. ابن فارس، ابوالحسن احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۵. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد، (۱۳۸۴ق)، *تهذیب اللغة*، مصر: دارالقیومیة العربیة للطباعة.
۶. اقبال، ابراهیم، (۱۳۸۹)، *فرهنگنامه علوم قرآن*، چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

۷. بلاسی، محمد السید علی، (۲۰۰۱م)، *المعرب فی القرآن الکریم*، دراسة تأصيلیة دلالية، لیبی: جمعیة الدعوة الاسلامیة العالمیه.
۸. تفلیسی، حبیش بن ابراهیم، (۱۳۶۰)، *وجوه قرآن*، به اهتمام مهدی محقق، چاپ چهارم، تهران: بنیاد قرآن.
۹. ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، محقق: ابی محمد ابن عاشور، مراجعه و تدقیق: نظیر ساعدی، ۱۰ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۰. جفری، آرتور، (۱۳۷۲)، *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
۱۱. جوالیقی، ابومنصور، (۱۹۶۹)، *المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم*، تحقیق احمد محمد شاکر، مصر: دارالکتب.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ق)، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۳. *دانشنامه جهان اسلام*، (۱۳۹۴)، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، جلد بیستم، چاپ اول، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۱۴. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مصحح: محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، ۲۰ جلد، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۵. راغب اصفهانی حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۳۳ق)، *تفسیر صحیح آیات مشکلة قرآن*، تنظیم و نگارش هادی خسروشاهی، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۹۸۵)، *الایتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط. الثالثة، قاهره: دارالتراث.
۱۸. _____، (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ۶ جلد، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره).
۱۹. _____، (۱۹۸۸)، *المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب*، شرحه و علق علیه سمیر حسین حلبی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۲۰ جلد، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲)، *جوامع الجامع*، مصحح: ابوالقاسم گرگی، ۴ جلد، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، مصحح: هاشم رسولی، ۱۰ جلد، تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
۲۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، (۱۳۷۵ش)، محقق / مصحح: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.

۲۶. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، ۱ جلد، قم: دار الثقافة.
۲۷. _____ (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: احمد حبیب عاملی، مقدمه نویس: محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، ۱۰ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. طبیب دشتی، محمود، (۱۳۹۶)، *درآمدی بر دانش مفردات قرآن*، چاپ ششم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ مرکز مدیریت حوزه های علمی خاوران.
۲۹. غزنوی، ابوالمعالی احمد بن محمد، (۱۳۸۹)، *تراجم الاعاجم*، (فرهنگ کهن واژه های قرآن)، به کوشش مسعود قاسمی و محمود مدبری، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۵ق)، *العین*، تحقیق مهدی المحزومی و ابراهیم السامرائی، قم: دارالهجره.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، اعداد: مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، ۳۲ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. الفیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز*، تحقیق محمد علی النجار، وزارة الاوقاف المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیة، الجزء الثالث: ۱۴۰۶ هـ ۱۹۸۶ م، الجزء الرابع: ۱۳۸۹ هـ ۱۹۶۹ م، فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، (۱۴۱۴ق)، *قاموس المحيط*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، ۲۶ جلد، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع).
۳۵. فیومی، احمد بن محمد المقرئ، (۱۴۰۵ق)، *مصباح المنیر*، قم: دارالهجره.
۳۶. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط - الإسلامیة)*، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و محمد آخوندی، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۸. مؤلفی ناشناخته، (۱۳۸۲)، *لسان التنزیل* (لغتنامه قرآنی متعلق به قرن چهارم و پنجم)، به کوشش مهدی محقق، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ۱۱ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. محمدی، حمید، (۱۳۸۵)، *مفردات قرآن*، چاپ هفتم، قم: مؤسسه فرهنگی دارالذکر.
۴۱. المدنی، ابن المعصوم علی خان بن احمد، (۱۳۸۴)، *الطراز الأول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول*، ۱۵ جلد، قم: مؤسسه آل البيت.
۴۲. مرتضی الزبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۲۰ جلد، بیروت: دارالفکر.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۴. میبیدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، ۱۰ جلد، اهتمام: علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.